

بسمه تعالی

دانشگاه شهید بهشتی
دانشکده حقوق

۲۱

پایان نامه

کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) در رشته حقوق خصوصی

موضوع

" تاثیر قوه قاهره بر تعهدات "

به راهنمایی استاد ارجمند
جناب آقای دکتر مهدی شهیدی

نگارش

حسین علیزاده

سال تحصیلی

۱۳۶۷-۶۸

۱۸۹۸۹

" تاثیر قوه قاهره بر تعهدات "

۱۸۶۸۹

فهرست مندرجات

۷	مقدمه
۷	الف - تعریف تعهد
۱۰	ب - تعریف قوه قاهره
۱۳	ج - تاریخچه
۱۶	د - اسباب سقوط تعهد
۱۸	ه - تقسیم مطالب

فصل اول . کلیات

۲۱	طرح فصل
۲۴	گفتار نخست . مبانی تاثیر قوه قاهره (در فقه)
۲۴	۱- قاعده لاضرر
۲۷	۲- قاعده احسان
۲۸	۳- قاعده نفی عسر و حرج
۳۰	۴- قاعده استیمنان
۳۲	۵- حدیث رفع
۳۵	۶- قاعده اقدام

نتیجه

۳۷	گفتار دوم . موارد (مصادیق) قوه قاهره
۳۸	۱- انقلاب و شورشهای مردمی
۴۳	۲- وقوع جنگ
۴۵	۳- عوامل طبیعی غیر قابل پیش بینی
۴۶	۴- اعتصاب

۴۸	۵ - ممنوعیتهای صادراتی و وارداتی (منع قانونی)
۵۲	۶- تلف موضوع معامله
۵۳	۷- دخالت اکراه بازدارنده
۶۰	نتیجه
۶۲	گفتار سوم . مقررات قانونی قوه قاهره در حقوق ما
۶۲	الف - قانون مدنی ، تجارت و . . .
۶۴	ب - مطالعه تطبیقی
۶۸	ج - قانون دیات
۶۹	د - اقوال فقهاء
۷۱	نتیجه
	فصل دوم . تاثیر قوه قاهره در وضعیت تعهد و شرایط آن
۷۴	طرح فصل
۷۶	۸ گفتار اول . اصل تاثیر
۷۶	الف - سقوط تعهد
۸۱	ب - تعلیق قرارداد و تعهد
۸۳	نتیجه
۸۴	گفتار دوم . شرایط تاثیر قوه قاهره
۸۴	الف - غیر قابل اجتناب بودن حادثه
۸۷	ب - غیر قابل پیش بینی بودن حادثه
۹۰	ج- خارجی بودن حادثه
۹۳	د - عدم استناد ایفاء به تقصیر متعهد
۹۸	نتیجه
	فصل سوم . روابط طرفین تعهد در صورت بروز قوه قاهره
۱۰۱	طرح فصل

صفحه	عنوان
۱۰۳	گفتار اول. در عقود نامعین و شروط ضمن عقد
۱۰۳	الف - عقود نامعین
۱۰۳	ب - شروط ضمن عقد
۱۱۰	نتیجه
۱۱۱	گفتار دوم. تاثیر قوه قاهره در عقود معین
۱۱۱	اول - در عقد بیع
۱۱۵	دوم - در عقد اجاره
۱۱۵	۱- در تسلیم
۱۱۶	۲- در مسئولیت متصدیان حمل و نقل
۱۲۰	۳- اثر شرط عدم ضمان در صورت تلف
۱۲۱	۴- اثر شرط ضمان بدون تعدی و تفریط
۱۲۱	۵ - در اجاره اشخاص
۱۲۴	سوم - در ودیعه و عاریه
۱۲۶	چهارم - در رهن
۱۲۷	پنجم - در مضاربه
۱۳۰	ششم - در مزارعه و مساقات
۱۳۳	هفتم - در اخذ به شفعه
۱۳۴	هشتم - در کفالت
۱۳۸	نتیجه
۱۴۰	گفتار سوم - موارد عدم تاثیر قوه قاهره در مسئولیت اشخاص
۱۴۰	مبحث اول - در غصب
۱۴۳	مبحث دوم - تلف مبیع قبل از قبض
۱۴۷	مبحث سوم - در عاریه مضمونه و طلا و نقره
۱۵۱	مبحث چهارم - در اخذ بالسوم
۱۵۳	نتیجه
۱۵۵	نتیجه
۱۵۸	کتابنامه

مقدمه

شامل:

تعریف تعهد

تعریف قوه قاهره

تاریخچه

اسباب سقوط تعهد

تقسیم مطالب

موضوعی را که در این تحقیق به بررسی آن تعهد نموده ام عبارتست از " تأثیر قوه قاهمه بر تعهدات " که قبل از وارد شدن در جزئیات موضوع لازم است مطالبی را به طور مقدمه پیرامون تعهد و تعریف آن، تعریف قوه قاهره، تاریخچه آن و اسباب سقوط تعهد ذکر نمایم.

الف ، تعریف تعهد

فرهنگ معین کلمه تعهد را به گردن گرفتن کاری یا به عهده گرفتن معنی می کند. یکی از حقوقدانان گفته، عهد را به معنی عقد در حدیث العقد العهد دانسته اند که می توان آن را پیمان استوار نامید و با این معنی اطلاق عقد بر عقود جایز مجاز است نه حقیقت. در قراردادهای بین المللی همراه با کلمه معاهدات و میثاق در همین معنا به کار می رود. (۱)

و در جای دیگر گفته، تعهد رابطه حقوقی بین دو شخص است که به موجب آن متعهد له می تواند متعهد ملزم به پرداخت مبلغی پول یا انتقال چیزی یا انجام تعهد به فعل یا ترک فعل - بنماید. (۲)

قانون مدنی بدون آنکه تعریفی از تعهد داشته باشد در ماده ۱۴۰ گفته است: " تملک حاصل می شود ۲، بوسیله عقود و تعهدات " که اگر ذکر ۲ لفظ مترادف از نظر حقوقی بدنبال هم از قانونگذار قبیح باشد معلوم می شود که دو لفظ عهد و تعهد مترادف نیستند. از ماده ۱۸۳ قانون مدنی که مقرر میدارد " عقد عبارتست از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد " نتیجه می شود که عقد از موجبات ایجاد تعهد است که به موجب آن شخص یا اشخاص معین - نظر به اقتضاء عقد یا شبه عقد، جرم یا شبه جرم ویا

(۱) دکتر لنگرودی - ترمینولوژی حقوق شماره ۳۸۳۹

(۲) دکتر لنگرودی - حقوق تعهدات، شماره ۱

به حکم قانون ملزم به دادن چیزی یا مکلف به فعل یا ترک عمل معینی به نفع شخص یا اشخاص معینی می شوند. در تعهد انتقال، متعهد ملتزم به نقل مالکیت مالی از اموال خود می شود.

فرهنگ حقوقی "Black's" ذیل کلمه "Obligation" که معمولاً به تعهد معنی می شود می گوید :

این کلمه دارای معانی متعدد و موسعی است که بر حسب قرائن موجود در جمله می توان بدانها پی برد. بر طبق آن شخص به انجام کاری یا ترک آن ملتزم می شود که ممکن است ناشی از قانون یا قرارداد، روابط اجتماعی، آداب نزاکت، مهربانی و غیره، قانون یا تکلیفی که طرفین را به ایفای قرارداد خویش ملزم می کند که همان تعهد به ایفاء است.

یا تعهد عبارت از این است که شخص خود را به یک تکلیف قانونی یا اخلاقی ملتزم نماید که در صورت سهل انگاری او را مستوجب اجبار و مجازات نماید. (۱)

به تعبیر فوق و نیز بر طبق ماده ۲۶۴ به بعد و نیز قوانین راجع به الزامات خارج از قرارداد (مواد ۳۰۱ به بعد باید گفت که تعهد شامل الزامات خارج از قرارداد نیز می شود.

ارکان تعهد عبارتند از

الف، موضوع تعهد که می تواند فعل یا ترک فعل، انتقال عین و یا منافع باشد.

ب، طرفین تعهد. که یکی از آنها شخصی است که انجام کار یا انتقال مالی و یا ترک عملی را به عهده گرفته که او را متعهد نامند و طرف دیگر شخصی است که تعهد به نفع او انجام می شود که وی را متعهد له خوانند.

ج، رابطه حقوقی. که بر حسب آن متعهد له می تواند انجام کار و یا ترک فعلی را از متعهد مطالبه کند و در صورت امتناع متعهد بتواند وی را به اجراء تعهد مجبور نماید یعنی با توسل به محکمه صالح انجام کار یا ترک فعل را از متعهد مطالبه نماید. ماده ۴۷۶ ق. م. مین این معنی است که چنانچه موجر عین مستاجر را تسلیم مستاجر نکند و از انجام تعهد قانونی خود امتناع نماید اجبار می شود.

مساله دیگر اینکه چنانچه موضوع تعهد انجام کاری باشد و متعهد له از انجام آن خود داری کند دو حالت را می توان فرض نمود:

الف - انجام تعهد از شخص یا اشخاص دیگر به غیر از متعهد ساخته است. در این مورد

(۱) Black's Law Dictionary, p 556

در صورت خودداری متعهد از انجام تعهد دادگاه می تواند اجازه دهد تا شخص متعهد له یا ثالث آن را انجام داده و هزینه آن را از متعهد دریافت دارند .

ب ، در صورتیکه اجراء تعهد از شخص دیگری به غیر از متعهد ساخته نیست ، در این صورت دادگاه وی را به انجام تعهد مجبور می نماید و در صورتی که اجبار نیز ثمری نداشته باشد دادگاه می تواند بر طبق ماده ۷۲۹ ق . آ . د . م . مدت و مبالغی را تعیین کند تا اگر در آن مدت حکم را اجراء ننمود آن مبالغ را در ازای اصل و فرع دعوی بپردازد .



برای قوه قاهره معادل های ذیل قابل ذکرند:

" Cause علت خارجی Cas fortuit حادثه غیر مترقبه
etrangere - مشیت الهی Act of God و آفت سماوی .

قابل توجه است که بین عبارات فوق نمیتوان از لحاظ منطقی قائل به مطابقت شد مثلا بین قوه قاهره و علت خارجی رابطه عام و خاص مطلق برقرار است بدین معنی که علت خارجی اعم است از قوه قاهره، بدین بیان که شاید بتوان گفت عمل شخص ثالث از مصادیق علت خارجی باشد اما نتوان آن را از مصادیق قوه قاهره تلقی نمود.

لکن آنچه ما در پی آن هستیم عبارتست از هر حادثه که از توان متعهد خارج بوده و در جلوگیری از اجرای تعهد وی موثر است.

فرهنگ حقوقی بلک Black's ذیل واژه Force-majeure چنین می نگارد :

اصطلاح فرانسوی، در حقوق بیمه، نیروی برتر یا غیر قابل اجتناب، درج شرط فورس ماژور در مفاد قراردادها برای حمایت طرفین زمانی که اجراء آنها به سبب بروز عللی که خارج از کنترل آنها باشد و با اعمال مراقبتهای لازم نیز جلوگیری از آنها ممکن نیست، رایج و معمول است.

فرهنگ مزبور ذیل واژه Act of God چنین آورده : عملی که صرفا توسط قوه طبیعت و بدون نفوذ و تاثیر هر گونه عامل انسانی اتفاق می افتد، یک حادثه ناگه آیند قهری که صرفا از علل طبیعی ناشی می شود و بدون دخالت آدمی. واقعه ای است که نمی تواند به وسیله یک عامل انسانی رخ داده باشد بلکه فقط از علل طبیعی ناشی شده.

و تحت اصطلاح Inevitable accident می خوانیم، حادثه ای اجتناب ناپذیر که از یک علت غیر قابل پیش گیری طبیعی ناشی شده باشد؛ حادثه ای که نمی توان با درایت و مهارت انسانی از آن اجتناب نمود، زیرا از اسباب طبیعی ناشی می شوند، چنین عللی عبارتند از رعد و برق یا طوفان، خطرات سیل، دریا، زلزله، مرگ یا بیماری ناگهانی.

مقصود از نیروی غیر قابل اجتناب و مقاومت ناپذیر نیرویی است که کنترل آن با دخالت نیروی انسانی با تمام قوی مطلقا ممکن نباشد، برای اینکه از کسی بر مبنای غفلت نتوان مطالبه خسارت نمود باید

حادثه غیر قابل اجتناب باشد مشروط براینکه شخصی که عمل زیانبار از او سر میزند واقعا یا قانونا توان یا اجازه لازم را برای اجتناب از آن عمل یا جلوگیری از آسیب را نداشته باشد.

یکی از حقوقدانان قوه قاهره را چنین تعریف نموده

" آنچه قابل پیش بینی نبوده و قابل اجتناب نیز نباشد و متعهد رادر حالت عدم قدرت بر اجراء تعهد خویش قرار دهد و یا موجب معافیت کسیکه به علت عدم توانایی خسارتی به متعهد له خود یا متضرر دیگری وارد کرده است گردد، مانند حریق که بدون عمد و تخطی صاحب کارخانه در کارخانه اتفاق افتد و در نتیجه او نتواند سفارشات را که قبول کرده به انجام برساند.

این اصطلاح و اصطلاح حادثه غیر مترقب *Cas fortuit* در فرانسه و سیستم حقوقی و آثار حقوقدانان آن مرز و بوم بطور مترادف استعمال می شود. (ماده ۱۱۴۸ و ۱۷۳۲ و ۱۷۸۴ قانون مدنی فرانسه .) (۱)



(۱) جعفری لنگرودی - دکتر محمد جعفر - ترمینولوژی حقوق - ص ۵۵۳

در حقوق انگلیس با واژه Frustration روبرو هستیم. فرهنگ حقوقی

Oxford companion to Law ذیل واژه مزبور چنین می نویسد:

عقیم شدن عبارت است از اتمام و خاتمه پیش هنگام قرارداد به لحاظ اوضاع و احوالی که اجرای قرارداد و تعهدات را غیر ممکن می سازد، یا حداقل قرارداد را نسبت به آنچه که قبلاً پیش بینی می نموده اند آنچنان متفاوت ساخته که منطقی نخواهد بود طرفین را ماخوذ و مقید به قرار داد بدانیم. این قاعده از این اصل ناشی می شود که عدم امکان اجرای قرارداد و تعهدات را نتوان به هیچوجه به تقصیر یکی از طرفین منتسب نمود اعم از اینکه این عدم امکان ناشی از حوادث طبیعی باشد یا یک مانع قانونی. به هر حال این مساله عقد را ساقط و منحل می نماید. (۱)

روسواز اساتید حقوق بین الملل عمومی قوه قاهره را چنین تعریف می کند:

"فورس ماژور عبارت است از یک مانع غیر قابل اجتناب ناشی از رویدادهای خارجی که

یا از اجرای تعهد و یا از رعایت یک قاعده حقوق بین الملل جلوگیری می کند." (۲)



(۱) دکتر مومنی - فرامرز - مجله حقوقی شماره ۱۰ ص ۲۷۱

(۲) دکتر مومنی - فرامرز - جزوه تجارت بین الملل - درس فوق لیسانس - ص ۶۹

گرچه تئوری فورس ماژور نخستین بار در حقوق فرانسه در کد ناپلئون پیش بینی شده و سپس الهام بخش قانون مدنی ایران در موارد راجع به قوه قاهره بوده است اما می توان ادعا نمود که با تغییر نام و قیاس می شود آن را در سایر سیستم های حقوقی مثل حقوق رم و حقوق اسلام و حقوق انگلیس مشاهده نمود.

در یونان باستان معاهدات صلح را برای مدت معینی منعقد می نمودند تا در صورت لزوم و نیز در صورت بروز حوادث غیر قابل پیش بینی در زمان عقد بتوانند در آن معاهدات تجدید نظر نمایند. در حقوق رم برطبق متونی که در دست است می توانستند قرارداد را به دلیل تغییر اوضاع زمان عقد فسخ و یا لغو نمایند. (۱)

در حقوق اسلام آیات قرآن و فتاوی فقهاء مبین این معنی است که اگر متعهد به واسطه عروض یک عامل بیگانه از او در اجرای عقد دچار عسر و حرج و اصر گردید، از اجرای تعهد معاف می شود. در این زمینه می توان به حدیث لاضرر - حدیث رفع، آیات یزید الله بکم الیسر و ان کان ذو عسره فنظره الی میسره - آیه آخر سوره بقره که می فرماید لایکلف الله نفسا الا وسعها... ربنا و لا تحمل علینا اصرا... و لا تحملنا مالا طاقت لنا به.

در آثار فقهاء، عبارت قوه قاهره به چشم نمی خورد اما آنها پیوسته از عباراتی نظیر آفت سماوی - غلیه ریح - هوا - شمس - تلف من غیر تفریط و لاتعد (۲) استفاده فرموده اند. فقهاء به استناد احادیث وارده از طرف ائمه آنقدر برای عوامل طبیعی حساب باز کرده اند که حتی هنگامی که تقصیر متعهد بعلاوه قوای طبیعی موجب خسارت و یا زیانی گشته است خطای او را غالباً نادیده گرفته اند که در این زمینه می توان به موردی اشاره نمود که شخصی دیگری را بازداشت می کند اما بازداشت شده به سببی از قبیل آتش سوزی یا غرق شدن یا گزیدگی مار و یا ریزش دیوار

(۱) دکتر محمد علی حکمت. تاثیر تغییر اوضاع و احوال - مجله حقوقی شماره ۳ - ص ۳۵

(۲) محقق حلی - ابوالقاسم - شرایع ص ۴۲۲ - ۷۶۲ - ۱۰۲۵ - ۱۰۲۲ و محقق داماد - سید مصطفی

قواعد فقه - ص ۱۱۵ - و امام خمینی (ره) تحریر الوسیله ج ۲ - ص ۵۶۶

تلف شود اکثریت فقهاء بازداشت کننده را ضامن نمی دانند. (۱) و نیز هنگامی که تسلیم مورد تعهد به علتی خارج از توان متعهد به متعهد له متعذر شود آنها خیار بنام خیار تعذر تسلیم تفریع نموده اند. (۲)

تاریخ حقوق ما دیرزمانی نیست که با واژه قوه قاهره یا قهریه آشنا است. این اصطلاح ابتدا از عبارت فورس ماژور در فرانسه اقتباس شد که آن نیز ظاهراً نخست در کد ناپلئون بکار رفت و سپس در کشورهای دیگر همین لفظ یا ترجمه آن معمول شد. در حقوق بین الملل نیز همین اصطلاح حتی در کتب انگلیسی در کشورهای کامن لو مورد استفاده قرار می گیرد. (۲)

در حقوق انگلیس تحت نفوذ حقوق رم برای تعهدات قراردادی عنوان و احترام خاصی قائل بودند به نحوی که اصطلاح *pacta sunt servanda* رایج و اکثر تعهدات ناشی از قرارداد از دیدگاه قانون مطلق فرض می شود. لذا حوادث غیر مترقبه بهانه ای برای عدم انجام تعهد به شمار نمی رفته است. این قاعده همان اصل لزوم قراردادهای اصله اللزوم می باشد

با این وجود ممکن است اهداف تجاری منظور طرفین در هنگام انعقاد قرارداد بعداً بدون هرگونه تقصیری از طرف متعاقدین بواسطه شرایط غیر مترقبه و غیر قابل پیش بینی متعذر گردد به نحویکه از دید اشخاص منطقی و معقول اگر طرفین می دانستند چنان اتفاقی می افتد قرارداد مزبور را منعقد نمی کردند یا لاقلاً به نحو دیگری عمل می کردند. حقوق انگلیس برای مقابله با پیش آمدهای احتمالی مزبور دکنترین عقیم ماندن تعهدات تجاری را توسعه داده و تکامل بخشیده است. (۳)

در حقوق بین الملل روسو یکی از اساتید این رشته معتقد است همه نظامهای حقوق داخلی، رفع مسئولیت شخصی را که بر اثر قوه قاهره اجرای تعهدات قراردادی برایش غیر ممکن شده می پذیرد و در حقوق بین الملل اثر فورس ماژور معافیت دولت از مسئولیتی است که به سبب عدم اجرای عهدنامه دامنگیر آن است.

وی در این زمینه به سه رای صادره از دیوان دائمی داوری و دیوان دائمی بین الملل دادگستری استناد می نماید.

۱- رای دیوان دائمی داوری مورخ ۱۱ نوامبر ۱۹۱۲ از دعوای پرداخت غرامت جنگی بوسیله

(۱) شهید ثانی - روضه - ج ۱ - ص ۳۳۲

(۲) صفائی - سید حسین - مجله حقوقی ۳ ص ۱۱۳

(۳) دکتر مومنی - فرامرز - مجله حقوقی شماره ۱۰ - ص ۲۷۱

ترکیه به روسیه.

۲- رای دیوان دائمی بین المللی دادگستری مورخه ۱۲ ژوئیه ۱۹۲۹ در دعوای وام های صربستان.

۳- رای دیوان دائمی بین المللی دادگستری مورخه ۱۵ ژوئیه ۱۹۲۹ در دعوای شرکت بازرگانی

بلژیک. (۱)

یکی از اصولی که از دیرباز در حقوق رم وجود داشته و می توان گفت که با توجه به آن قاعده یا اصطلاح فورس ماژور سابقه تاریخی دارد اصل ربوس است که عبارت آن به لاتین نوشته می شود "Rebus sic standibus" یعنی تغییر شرایط و اوضاع و احوال زمان عقد - بر طبق آن هرگاه شرایط و اوضاع و احوال زمان قرارداد به نحوی تغییر یابند که اجرای قرارداد برای متعهد طاقت فرسا و موجب تعسر گردد، انصاف حکم می کند که دیگر نتوانیم به قرارداد مزبور استناد کنیم و باید در مورد اعتبار آن تجدید نظر نمائیم. و اگر اصول حقوقی موجود در ملل متمدن را ملهم از حقوق رم بدانیم می توانیم قائل به این مطلب شویم که قاعده فورس ماژور یا انتفاء قرارداد از اصل مذکور سرچشمه گرفته اند و به نظام های حقوقی دیگر کشورها و معاهدات بین المللی راه یافته اند، به نحویکه ماده ۵ بیانیه حل و فصل دعوای ایران و امریکا هیات داوری را مکلف می نماید تا تصمیمات خود را بر اساس رعایت قوانین اتخاذ نماید و مقررات حقوقی و اصول حقوق تجارت و حقوق بین الملل را بکار برد و در این مورد عرف های بازرگانی، مفاد قرارداد و "تغییرات اوضاع و احوال" را در نظر بگیرد. (۲)

نظریه مزبور که می توان آن را از مبانی قوه قاهره تلقی نمود از قرن ۱۹ میلادی در کشور های آمریکا و اروپای غربی مورد توجه بیشتری واقع شد و براساس اصل حسن نیت، انصاف و فرض شرط ضمنی در دادگاه های داخلی و داوری های بین المللی بدان عمل شده و آرای نیز صادر شده است. ماده ۶۲ عهدنامه وین راجع به حقوق معاهدات مورخه ۱۹۶۹ که یکی از منابع حقوق بین الملل عمومی است ناظر به همین مورد است. (۳)

(۱) دکتر صفایی - سیدحسین - مجله حقوقی شماره ۳ - ص ۱۱۶

(۲) مجله حقوقی شماره ۱ ص ۲۶۶ - بیانیه حل و فصل دعوای الجزایر

(۳) دکتر احمدی واستانی - عبدالغنی - مجله حقوقی شماره ۱ - ص ۵۰

ماده ۲۶۴ ق . م . مسقطات تعهد را بدینگونه احصار نموده

۱- سقوط تعهد به وسیلهء وفاء به عهد

۲- سقوط تعهد به اقاله

۳- سقوط تعهد به وسیلهء ابراء

۴- سقوط تعهد با تبدیل تعهد

۵- سقوط تعهد به وسیلهء به تهاثر

۶- سقوط تعهد به مالکیت فی الذمه

اما ماده ۱۲۳۴ ق م فرانسه سه عامل دیگر را به این اسباب می افزاید که عبارتند از

الف - تلف شیئی مورد تعهد یا حدوث وضعیتی که در حکم تلف است .

ب - بطلان تعهد یا فسخ آن به عنوان دفع ضرر

ج - شرط تعلیق انحلال عقد یا بطلان آن

ولی در عوض اقاله را که در ق م ایران به عنوان یکی از اسباب سقوط تعهدات ذکر شده در

ق م فرانسه ذکر نکرده، گرچه در موارد دیگر این قانون توافق طرفین بر انحلال عقد و تعهد مورد قبـول

می باشد .

نسبت به سبب الف یعنی تلف شیئی مورد تعهد یا حدوث وضعیتی که در حکم تلف است مانند سرقت،

مفقود شدن باید گفت هرچند در ق م ایران در ماده ۲۶۴ ذکر این سبب نشده ولی در موارد گوناگون با

توجه به احکام مختلف که راجع به تلف شیئی مورد تعهد و وضعیت مشابه آن وجود دارد می توان آن را از

اسباب سقوط تعهد دانست، مثلا هرگاه مبیع قبل از قبض نزد مایع تلف شود عقد بیع منفسخ و تعهد مایع

به تسلیم مبیع به خریدار و تعهد مشتری نیز به تادیه ثمن به مایع ساقط خواهد شد و نیز تعهد مستودع

و وکیل و عامل در عقد ودیعه، وکالت و مزارعه و مضاربه به تسلیم مال متعلق به مودع، موکل، مزارع و

مضارب به تلف مال مزبور ساقط می گردد .

در صورتیکه این اشخاص در مال دیگری مرتکب تعهدی و تفریط نشده باشند تعهد تسلیم مثل یا

قیمت مال تلف شده نیز ساقط خواهد شد. (۱)

(۱) دکتر شهیدی - مهدی - تقریرات سقوط تعهدات

قانون مدنی ایران (ماده ۲۶۴) و ق م فرانسه (ماده ۱۲۳۴) از قوه قاهره به عنوان یکی از اسباب مسقط تعهد ذکرى به میان نیاورده اند ، اما از عامل و سبب الف که می گوید " تلف شیء مورد تعهد یا حدوث وضعیتی که در حکم تلف است " و با قیاس برآن می توان عامل قوه قاهره را نیز در ردیف این عامل قرار داد و بروز آن را درحکم حدوث وضعیتی دانست که اجرای عقد را غیرممکن ساخته است .

هدف گردآورنده این سطور تدوین و تبویب مطالبی است پیرامون عنوان این رساله که به صورت پرکنده در ضمن مقالات گوناگون از حقوقدانان و در ابواب اجاره و نظایر آن در کتب فقهاء مطرح گردیده ، اما تلفیق این نظریات چیزی است که به عهده این تالیف گذاشته شده و به لحاظ عدم پیشینه کار گسترده در این زمینه شاید بتوان گفت در این موضوع تاکنون کار جامعی صورت نگرفته ، لذا ادعای ناپختگی این تحقیق بی محمل نخواهد بود ، آنهم با مولفی قلیل البضاعه و کثیر المشغله .

سخن را کوتاه کنم ، موضوع حاضر طی یک مقدمه و سه فصل و یک نتیجه مورد بررسی قرار گرفته که اجمال آن چنین است .



فصل اول (تحت عنوان کلیات)

گفتار اول به لحاظ اینکه فقه امامیه مبنای حقوق ایران است عناوینی از آن را که می تواند مبنای شرعی این قوه باشد در سطوری چند آمده، در گفتار دوم مصادیق قوه قاهره را متذکر شده ام که اهم آنها عبارتند از انقلاب، جنگ، عوامل طبیعی غیر قابل پیش بینی، اعتصاب، تلف موضوع معامله و... در گفتار سوم بررسی تطبیقی موضوع در سیستم های مختلف حقوقی از جمله فرانسه، انگلیس و در حقوق بین الملل همراه با نقل مطالبی از آنها به رشته تحریر کشیده شده. در گفتار چهارم موقعیت قانونی قوه قاهره در سیستم حقوقی ما به لحاظ منبع و منشاء اصدار ابتدا در قانون مدنی و تجارت و مسئولیت مدنی و سپس در قانون دیات و اقوال فقهاء بررسی شده.

فصل دوم (تحت عنوان سقوط تعهد یا تعلیق قرارداد در اثر قوه قاهره) در

گفتار اول در اصل تاثیر که همان سقوط تعهد و تعلیق قرارداد است بحث شده در گفتار دوم شرایط تاثیر که در حقیقت ویژگیهای حادثه ای است که می تواند تاثیر فوق را موجب شود.

فصل سوم . روابط طرفین تعهد در صورت بروز قوه قاهره مطمح نظر گردیده که در

گفتار اول از عقود نامعین و شروط ضمن عقد و در گفتار دوم روابط طرفین در عقود معین . در گفتار سوم موارد عدم تاثیر قوه قاهره در مسئولیت اشخاص مورد بحث قرار گرفته که طی گفتار اخیر مباحثی در غضب، تلف مبیع قبل از قبض و وضعت آخذ بالسوم به عمل آمده.

در پایان از ارشادات استاد محترم جناب آقای دکتر شهیدی که کلام و مرام ایشان راهگشا و الگوی اینجانب بوده کمال امتنان را دارم و برای ایشان سلامت توأم با عزت را از خداوند منان مسئلت می نمایم.

" و الله هو الموفق



فصل اول

کلیات

شامل

گفتار نخست . در مبانی تاثیر قوه قاهره در حقوق ما

گفتار دوم . مصادیق قوه قاهره

گفتار سوم . مقررات قانونی قوه قاهره در حقوق ما